



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۳/۰۷

ف، هیرمند

زنان افغان از کدام دستاورد های شان حفاظت کنند

زنان کشور امسال روز هشتم مارچ میعادگاه زمانی همبستگی زنان را در شرایطی به یاد و بود می گزارند که وطن ما در حالت گذار به یک مقطعه ای ناشناخته تاریخی در حرکت دیده می شود. در این مقطعه از تاریخ کشور که تحولات خواسته و ناخواسته، پیشاپیش ما در جریان است و ما به دنبال آن دویده دویده روان هستیم، همانطور که تقریباً در تمام زمینه ها باد شتابزده گی در وزیدن است، فهرست کردن اینکه چه را نگه داریم و چه را به برد و باخت بگذاریم، و در ازای آن کدام پدیده ها را که داشته ایم و یا نه داشته ایم، بدست بیاوریم.

با همین شتابزده گی که در تمام زمینه ها حاکم است، حقوق زنان افغانستان از همه جدی تر آماج هجوم خواهد بود، گرچه زن امروز افغان مثل مادران بی دهن و بی زبان و چشم و گوش بسته دیروز ما نیست، این زن "زنانه وار" در جبهه برای دفاع از وطن و جان هموطنش می جنگد، این زن مخترع است، روبات اختراع میکند، این زن حکومتدار است، وزارت و معینیت را به راحتی مدیریت میکند، این زن دیپلمات است، مجری سیاست های پیچیده دولت در حوزه سیاست خارجی است، این زن قانونگذار است، در مجالس قانونگذاری حضور نمایشی نه بلکه حضور فعال و مؤثر دارد و حقوق تمام شهروندان را به شمول حقوق خودش ثبت و تسجیل میکند، این زن در سپورت های مهم برای وطنش مدال می آورد، این زن قاضی است، خرنوال است، شهردار است، والی است، این زن تجارت را به خوبی و مثمر به پیش می برد این زن کارگر است، عرق جبین خود را شرافتمندانه در خدمت تولید نعمات معنوی و مادی میگذارد، این زن دگر کمتر نفقه خور و بیشتر نفقه آور است، این زن معلم است، طبیب و شفا آور است، در یک جمله هیچ حوزه زندگی انسانی را در افغانستان نمی یابی که زن در آن غیابت داشته باشد، زن در جامعه فعلی کشور فراتر از شعار های قشنگ و فریبنده، که عملاً به خود نیروی زندگی ساز میدل شده است. این زن یکی و دو تا هم نیست که به ساده گی و آسانی از کنار حقوقش گذشت و قفل و کلیدش نمود و خانه نشینش ساخت، بلکه اکثریت نفوس کشور (بیش از پنجا فیصد) آنرا احتواء میکند، اکثریت نسل جوان کشور را که ۶۵ فیصد هموطنان ما را در بر میگیرد. چگونه می شود از این همه نیرو چشم پوشید، آنرا حذف کرد و آنرا از تمام عرصه های زندگی خلع نمود.

وقتی ما در افغانستان از حقوق زن امروز حرف میزنیم مقصد ما حقوق بیش از پنجا فیصد شهروندان کشور می باشد که اکثریت شان جوانان و شیره انرژی و کار کشور اند، پس چگونه میتوان او را در هویت دیروزی فقط "عیال" محبوس نمود، نه چنین چیزی دیگر اتفاق افتادنی نیست، اگر کسی تصور بازگشتش را هم بکند، تصور خنده داری خواهد بود.

از همه عمده تر اینکه اگر زن دیروز به طور عام فریاد میزد که حقوقم را می خواهم و این حقوق را نمی شناخت و در فقدان نا آشنایی به حقوقش، بازنده می بود، زن افغان، امروز حقوقش را خوب با تمام اجزای آن می شناسد و میداند که از کدام حقوق در کدام حوزه ها باید نگهداری کند.

قابل تذکر است که قبل از ۱۸ سال اخیر نیز زنان وطن ما در دوره دهه قانون اساسی و کم و بیش در دوره های جمهوری مرحوم محمد داوود خان و سپس در دوران حاکمیت حزب دموکراتیک هم حقوقی را حایز بودند که بالآخر حاکمیت تنظیمی ها و بعداً ذریعه امارت اسلامی، آن حقوق از اعتبار ساقط اعلام شده و حذف گردیدند.

فرق و تفاوت میان وجود حقوق زن در دوره های دهه دموکراسی، جمهوری مرحوم محمد داود شهید و در دوره حاکمیت حزب دموکراتیک در این است که در آن زمان آن حقوق و امتیازات زنان در کاغذ ها تزهین شده بودند، اما حالا آنچه در دفاتر و قوانین درج اند، زنان افغان خواهان تطبیق و تحقق آن حقوق می باشند.

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له الیرلو مخکې په خیر و لولی

در این مورد نکته قابل یاد آوری این خواهد بود که زن افغان در دوره های قبل، از حقوق خود، باخود آگاهی کامل مطلع نبود، گذشت زمان و حوادث ممتد و پیهم، به زن این آگاهی را تا حدودی فراهم ساخته است که چگونه با روزگار دست و پنجه نرم کرده و از حقوق خود دفاع و حفاظت نماید. اما بعد از آن زنان با تلاش ها و مبارزات شان حقوق آتی را که در زیر فهرست شده اند برای خویش تثبیت نموده و در راه عملی شدن آن روان اند.

حال اگر به اثر تحولات سیاسی پیش رو – که قرار است با طالبان چنین "تحولاتی...!!!" به عمل آید – ممکن این دستاورد های زنان قسماً و یا کلاً باز ساقط گردیده و حذف گردند، زنان وطن ما باید این حقوق خویش را خوب بشناسند تا از آنها مواظبت و نگه داری کرده بتوانند .

زن افغان شاید دیروز منابع اساسی حقوقش را نمی شناخت، که اگر حقوق نقض شده خود را می خواست به کدام سند – میثاق، معاهده، قرارداد، قانون اساسی و قانون – باید استناد میکرد، تا به اتکای همان سند استنادی حق خود را مؤثق و ثابت می نمود، اما او حالا منابعی که حقوق خود را به آن پایه و اساس بدهد، همه را می شناسد . منابع دیروزی که حقوق زن به آن توجیه میگردید همانند منابع کنونی گسترده نبوده است؛ امروز حقوق زنان افغان بر منابع آتی اتکا دارد:

اول منابع بین المللی حقوق بشری: در این منابع اسناد عمده حقوق بشری نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ م است. در کنار سه سند متذکره ما عمده ترین سند حمایه از حقوق زن را داریم که عبارت از میثاق "محوکلیه اشکال تبعیض علیه زنان" مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹م ملل متحد می باشد و افغانستان در ۱۹۸۰ آنرا امضاء و در سال ۲۰۰۳ الحاق خود را پیرامون آن، مورد تأیید قرارداد. ماده اول این کنوانسیون چنین مشعر است « عبارت تبعیض علیه زنان" به هرگونه تمایز، استثناء (محرومیت) یا محدودیت، بر اساس جنسیت که نتیجه یا هدف آن خدشه دار کردن یا لغو شناسایی، بهره مندی، یا اعمال حقوق بشر و آزادی های اساسی در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر توسط زنان صرف نظر از وضعیت زناشویی ایشان و بر اساس تساوی میان زنان و مردان، اطلاق میگردد»

میثاق یاد شده در ۳۰ ماده خود تمام حقوق اساسی زنان را ثبت و شناسایی و تحقق آنرا از سوی دول متعهد تقاضا نموده است، عمده های حقوق مندرج آن بدین شرح می باشد:

- محکوم کردن هر گونه تبعیض جنسیتی و تعقیب جزایی آن توسط دول متعده.
- طرح قوانین حمایوی از حقوق زنان برای تحقق برابری زن و مرد و مصون سازی زن در برابر تبعیض.
- ممانعت و خود داری کردن از هرگونه عمل تبعیض آمیز از سوی مراجع وموسسات دولتی در برابر زنان .
- اتخاذ تدابیر به منظور جلوگیری از تبعیض و نقض حقوق زنان.
- محو و فسخ تمام قوانین، رسوم و عرف که مؤید تبعیض علیه زنان باشد.
- تضمین کامل رعایت و تحقق حقوق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان و به این منظور تدابیر قانونی و عملی اتخاذ نمودن .
- تعدیل الگو های اجتماعی و فرهنگی، رفتاری مردان و زنان به منظور از بین بردن تعصبات و کلیه روشهای سنتی و غیره که بر تفکر کمتر بینی و یا بزرگ بینی هر یک از دو جنس و یا نقش کلیشه یی برای مردان و زنان باشد.
- رعایت انجام خدمت برای مواظبت و تربیه اطفال به حیث وظیفه اساسی مادری و تقسیم مناسب آن میان مادر و پدر.
- وضع قوانین جهت جلوگیری از قاچاق و روسپی سازی زنان
- تضمین حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن زنان برای پست های عمومی انتخابی
- حق سهم گیری در تعیین سیاست های دولت و حق انتصاب شدن در سمت های کلیه مسؤولیت های دولتی.
- حق شرکت در سازمان ها و انجمن های غیر دولتی
- تأمین شرایط لازم برای حق شرکت در سازمان های بین المللی و نیز به حیث نماینده دولت های متبوع خود در مجامع بین المللی و دیپلوماتیک.
- حق کامل و بدون قید شهروندی ازدواج برای زنان و حق حفظ تابعیت خود در حالت ازدواج با شخص خارجی.
- رعایت کامل تساوی حقوق در زمینه دسترسی به آموزش های علمی و حرفه یی برای زنان و زنان روستایی و شهری
- فرصت های فعال و وسیع حق شرکت در ورزشها و مسابقات سپورت

- حق دریافت اطلاعات فراگیری امور در عرصه تنظیم امور خانواده
 - حق استخدام با عین امتیازات عادلانه که مردان از آن بهره مند می شوند.
 - تضمین حق دریافت معاش حین حامله گی و زایمان و تضمین اخراج نه کردن زنان حین حامله گی
 - تضمین رخصتی ولادی
 - تشویق خدمات حمایوی برای مواظبت از کودکان مادران
 - رعایت حالت حاملگی زنان حین بارداری در اجرای کار در محل وظیفه
 - حق استفاده از قروض امدادی و اعتبارات مالی و حق اشتراک در فعالیت های تفریحی و کلیه زمینه های فرهنگی
 - حقوق زنان روستایی مخصوصاً در زمینه های دسترسی به تمام حقوق منجمله حق شرکت در اجرای پروگرام های عمرانی
 - دسترسی به تمام خدمات صحی وسایر خدمات دریافت معلومات و آموزش برای زنان روستایی.
 - سایر حقوقی که زنان شهری دارند با خصوصیت های روستا برای زنان روستایی.
 - دولت ها در امور مدنی تمام حقوق و توانایی های زنان را برابر با مردان در نظر خواهد گرفت، حق تساوی و برابری زنان با مردان در اداره دارایی ها، انعقاد قرارداد ها و حین تطبیق موازین محاکماتی بالای زنان رعایت خواهد شد .
 - قوانینی که با حق اراده کامل و معتبر زنان در امور مدنی در تناقض باشد باید فسخ گردد.
 - تساوی حقوق زنان در حق استفاده از آزادی مسافرت، آزادی تردد و رفت و آمد و حق تصمیم آزادانه انتخاب مسکن برای زنان .
 - حق متساوی برای عقد ازدواج
 - حق یکسان انتخاب آزادانه همسر و عقد با رضایت کامل و حقوق مساوی زوجین حین دوران زناشویی
 - حقوق یک سان برای زوجین پیرامون مالکیت، حق اکتساب، مواظبت و مدیریت جایداد و انتقال ملکیت.
 - بی اعتبار بودن ازدواج کودک، اجباری شدن ثبت ازدواج و تعیین سن قانونی ازدواج.
- این بود عمده های موضوعات مندرج در کنوانسیون "محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان" که در بالا خیلی مختصر از آن یادآوری گردید، برای فهم همه جانبه و نحوه شناخت و اجرای آن در عمل حتماً به اصل متن باید رجوع نمود. کنوانسیون در ماده ۱۷ خود تشکیل یک کمیته خاص را بنام "کمیته محو تبعیض علیه زنان" در چوکات سازمان ملل متحد تاسیس نموده تا کشور های که به این میثاق پیوسته اند، از نگاه تطبیق و رعایت مفاد میثاق، مورد نظارت و ارزیابی قرار بگیرند.
- البته رویداد های نقض حقوق زنان توسط "کمیته کنترول از رعایت حقوق بشری" شورای حقوق بشر نیز قابل ارزیابی خواهند بود.
- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد نیز به حقوق برابر زن و مرد تأکید جدی داشته و در ماده سوم خود بر چگونگی این برابری پافشاری میکند؛ همچنان این میثاق پیرامون حق برخورداری از تمام حمایت اجتماعی و شرایط بهتر زندگی به مقیاس بلندی که در جامعه برای افراد میسر است. حق کار در شرایط برابر با مردان به طور عادلانه و مساعد به وضع . حق آزادی کامل فرهنگی به شمول تعلیم و تربیه مطابق به شرایط زمان، ثبت شده است.
- مندرجات مفید اسناد حقوق بشری ناظر بر حقوق زنان که قبل از این سند اصدار یافته بود، همه در میثاق محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان درج گردیده است.
- دوم : منابع ملی:** اسناد حقوقی که به صورت قانونی در رابطه به حقوق زن در سطح ملی توسط مراجع قانونی مانند لویه جرگه و مراجع انتخابی (شورای ملی) تسوید و تصویب گردیده است و از سوی رئیس قانونی دولت افغانستان توشیح شده است، به مفهوم دقیق کلمه اعتبار و حیثت قانونی دارد: که در ذیل از آنها ذکر به عمل می آید :
- در رأس منابع ملی قانون اساسی قرار دارد؛
- قانون اساسی افغانستان در فصل دوم (حقوق اساسی و وجایب اتباع) در ماده ۲۲ به این شرح از تساوی میان زن و مرد تذکر داده است: « هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.
- اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند.» و بعداً هم در در تمام قانون اساسی حقوق و وجایبی که برای اتباع در نظر گرفته شده است مشمول حال زنان افغانستان هم می شود.
- حقوق میراث زن بر مواد ۲۰۰۴، ۲۰۰۸، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۹** قانون مدنی افغانستان متکی به احکام دین مبین اسلام تثبیت و سنجش می شود.

قانون کار افغانستان مواد متعددی را ناظر به رعایت حقوق کارکنان زن در خود جا داده است، این مواد تقریباً اصول و ارزش های را که "میثاق محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان" اعلام نموده، در نظر گرفته است، که می توان در این زمینه از مواد آتی ذکر به عمل آورد. مواد هشتم، نهم، سی و یکم، پنجاه و چهارم، یکصد و بیستم، یکصد و بیست و یکم، یکصد و بیست دوم، یکصد و بیست و سوم، یکصد و بیست و چهارم، یکصد و بیست و پنجم، یکصد و بیست و ششم و یکصد و شصت و هفتم را نام برد، به گونه مثال در ماده ۵۴ قانون کار آمده است که: « ۱ - کارکن زن مستحق ۹۰ روز رخصتی ولادی با مزد می باشد که یک ثلث آن قبل از ولادت و دو ثلث آن بعد ولادت قابل اجرا است. ۲- مزد و سایر حقوق مندرج فقره (۱) این ماده بر اساس تصدیق شفا خانه اجرا میگردد. ۳- کارکن زن مکلف است با اختتام رخصتی مندرج فقره یک این ماده در خلال پنج روز به اداره مراجعه نماید در غیر آن تارک وظیفه شناخته شده از امتیازات فقره ۲ این ماده مستفید شده نمی تواند.»

بی سرنوشتی قانون منع خشونت علیه زن:

"قانون منع خشونت علیه زن" به تاریخ ۱۳۸۸/۴/۲۹ توسط فرمان تقنینی شماره ۹۱ رئیس جمهور به داخل چهار فصل و ۴۲ ماده صادر و نافذ گردید، این قانون علی الرغم بعضی کوتاهی ها و خامی ها، سعی بر آن نموده بود تا درحوزه حقوق زن در کشور گام های متجددانه ای بردارد، زیرا برخی از ارزش های مندرج در کنوانسیون "محو کلیه اشکال تبعیض علیه زن" در محتوای آن تعبیه گردیده بود.

وقتی این فرمان تقنینی به تاریخ ۲۸ ثور ۱۳۹۳ ه ش از سوی کمیسیون امور زنان ولسی جرگه به مجلس غرض تصویب ارائه گردید، ارائه و تصویب آن به علل مختلف با مخالفت برخی از اعضاء مواجه شد؛ این مخالفت ها شاید به این علل بوده باشد: مخالفت عمده از سوی دست راستی های مجلس که هواخواه تعقیب نظام کلاسیک حقوق زن بودند، به مشاهده میرسید، نوع دو مخالفت شاید ماهیت تباری داشته که در زیر چتر اعتراضات تکنیکی خود را پنهان می نمود، نوع سوم مخالفت به سبب دقت بیشتر در تسوید و تخصصی سازی متن قانون بوده باشد و نوع دیگر مخالفت تضاد های جناحی در داخل ولسی جرگه و تخطئه نمودن پیشنهاد جناح رقیب بوده است. آنچه این مخالفت ها به ملاحظه رسانید اینکه: کم نیستند هم اندیشان و آنانی که از لحاظ ایدئولوژیک با اپوزیسیون مسلح همنوایی دارند که در چنین مواردی در سطح ولسی جرگه در همان خط موضع میگیرند.

نکات عمده آن قانون که در مجلس طرف اعتراض بود این ها اند: چگونگی تعریف "خشونت"، "سن ازدواج"، "تعدد زوجات"، "خانه های امن"، "مجازات فاعل خشونت" و چند مورد دیگر. از این مطالب مورد اختلاف می توان حدس زد که مخالفان حامی چه ارزش های بوده باشند ...

با آنهم این قانون ظاهراً منسوخ ولی عده ای مدعی اند که قانون مذکور سرچاپش است ولی اسم آن در فهرست قوانین تصویب شده در جریده رسمی یافت نه شد.

جای اذهان دارد که در این مقاله تحقیقی به هیچ سند ملی و بین المللی استناد نه گردیده است که دولت افغانستان رسماً به صورت مشروع و اصولی به آن نه پیوسته باشد، تمام اسناد مثبتة شامل این مقاله برای دولت افغانستان اعتبار و حیثیت تعهدات قابل اجرا را دارد.

به این ترتیب زنان افغان حین فهرست کردن حقوق شان - جهت دفاع و توثیق از آن - می توانند، در گام نخست به منابع یاد شده این مقاله مراجعه نمایند و حتی اجزای حقوق شان را از متن همان اسناد و یا تفسیر مفاد اسناد مذکور در توسعه ساحه هر حق خویش بهره ببرند.

در نتیجه با توانایی ها، قابلیت ها و نیرومندی که مادران و خواهران ما دارند و آنرا با مبارزات، قربانی ها و جانفشانی ها بدست آورده اند، زنان سرزمین ما در یک موقعیت مستحکم اجتماعی و سیاسی قرار گرفته اند که بدون سهم گیری و اتکا به این نیروی بزرگ و عمده، پیروزی هیچ تحول و تغییری نمی تواند تحقق یابد، تا چه رسد به این که بی توجه به جایگاه و نقش فعلی زن در کشور و سرنوشتش، در باره این بزرگترین انرژی تحول و جهش تصمیم گرفت، تصور نمی رود که این زن را دگر در قفس تأدیب و سرکوب قفل نمود. یکی از علل پیشرفت های بیش و کم کنونی، حضور فعال زن در چرخش نظام زندگی فعلی بوده است، زنان افغان با مبارزات و قربانی های شان سرمشق و نمونه عالی جد و جهد برای زنان سایر کشور ها شمرده شده اند، چطور ممکن خواهد بود این شیرزنان را دوباره در قید کشیده و به عقب روی واداشت.

زنان کشور برای محافظت حقوق شان نیاز به اتحاد و یکپارچگی گسترده و مستحکم دارند، جنبش زنان ما نیاز از آن دارند تا از امراض قومزده گی، منطقه زده گی، گروه گرایی و هر تمایلی که اتحاد شان را تهدید کند، دوری جویند، در وضع فعلی کشور در رأس جنبش به طور طبیعی و اجتناب ناپذیر نهضت زنان کشور قرار گرفته است. استقلال و خود ارادی زنان کشور در استقلال و خود گردانی مدنی آنان ریشه دارد، زنان باید در حق تعیین سرنوشت شان در حوزه مدنی خود مختار و آزاد باشند تا این خود گردانی را در حوزه زندگی اجتماعی برای مردان نه گذارند، اگر زنان کشور در این مقطع تاریخ، رهبری جنبش را آگاهانه و دقیق مدیریت نمایند، بدون شک مردان در عقب

این جنبش و در تحت رهبری آنان قرار خواهند داشت، مرد ها تا حال رواداری لازم را در پیشبرد نهضت در شرایط کنونی از خود نشان نداده اند. تاریخ خشن در حال عبور از کشور ما، چنین تقدیر کرده است که زن افغان اولین سنگر مقاومت در برابر عقب گرایی باشد و زن افغان از وجب و جب قلمرو حقوق خود هوشیارانه و با پختگی دفاع نماید و این زن بی گمان حایز چنین پوتانسلی است.

پایان

مأخذ

- میثاق محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان
- میثاقین ۱۹۶۶
- قانون اساسی افغانستان
- قانون منع خشونت علیه زنان
- قانون مدنی
- قانون کار
- روز نامه هشت صبح
- یادداشت های پراکنده مرتبط به موضوع